

عنوان مراسلات

نمجه حسنيه اداره روزنامه

(مجاهد) هر هفته دو

بار طبع و توزيع ميشود

۲۲ شعبان المعظم ۱۳۳۵

۳ سپتامبر (۱۹۰۷)

قيمت اشتراك سا يانه

تبريز (۱۵) قران

ساير بلاد ايران (۲۰) قران

ممالك خارجه (۲۵) قران

يك نسخه در تبريز ۲ شاهی

ساير بلاد ايران ۳ شاهی است

مجاهد

۱۳۳۵

(وجه آيونه از هر كس و از هر جا مقدمتاً گرفته ميشود)

مقالات سري در مجله و در زمان جنگ بالمشاورت گرفته ميشود و ادارت در طبعش آزاد است و در صورت

طبع مکتوبات اعاده نشده و با كها بدون نمبر قبول نخواهد شد

الْجُودُ بِالْنَفْسِ اقْصَى غَايَةِ الْجُودِ



قتل حجت بن عباس مجاهد
حاجي محمد زاده تبريزي ۱۳۳۵

مسيحت بخوانم معلى توى
الركوعيت حضرت ابلا توى

خودم بدبيرج كلام ختم كلام
نه مرده تو زنده و السلام

همان دم كه شد خون مغزك وان
ازان زنده كشتند ايرانيان

مكان مسيح است در اسان
مقام تو در قلب پير و جوان

الحق بخون بهايت
ايران را خريدك

دوست جان سپرد
الفت زما بریدی

(تا خلق بدانند که ما عاشق و مستیم)
 (در راه وطن از سروا ز جان بگذشتیم)
 (زین پیش تا زنده کی تلخ حرام است)
 (ای مژگ بیا منتظر راه تو هستیم)
 (کوی دشمن ما طمعه زند دوست ملامت)
 (ما فارغ از این مرحله خود رحمت به بستیم)
 (ما را بجز از مهر وطن مرحله نیست)
 (گر عهد به بستیم خود او را نه شکستیم)
 (در مهر وطن کرچه سر دار ز فتم)
 (در کوی وفا بر سر بخاکش به نشستیم)
 (در مسلک ما راه همین بودو همان است)
 (عهدی بوطن کرده و او را به بستیم)

بخدا که هیچ قوت فوق القوی قادر نیست چرخ
 نارنجرا از حرک خود باز داشته و روی آفتاب
 جهانتاب را باندودن کل از یرتواش جهانی را محروم
 بدارد که شبه در بازار جوهریان بجوی نیرزد
 و مناره بلند در دامن کوه الوند پست نماید مگر
 در وطن عزیز ما (طهران) که هنوز حق کوی و حق
 نویسی از قلم بعضیا امروزه که افتاب تمدن ایران را
 فرا گرفته در حکم کیمیا و عنقا دفتر پارینه دوکار
 حق را بکلافی نمی خزند همان تملق است و لاف
 و کراف بر تو ای دنیا و تف بر تو باد ای
 روزگار نمی دانم این برده کشی ناکی و بت
 پرستی و خود کشی تا چند سبحان الله این کرجی
 زاده کیست که بحکم جهل کرور ملت (ایران)
 و بقوای تمام علمای اسلام و بشهادت همه انبیا
 و اوصیاء و بگفته تمام عقلا و سیاسیون روی زمین
 خیانت و ظلمی که بالاتر از انجیال هیچ مسلمان
 منصفی نرسد با ایران و ایرانیان کرده و مملکت
 مثل ایران را خراب و اهالی در بدرش ابدین
 روز سیاه نشانده و بعد از آنکه در سیئات اعمال
 قبیحانه اش (یعنی بموض خونبهای ایران) در دست

یک نفر جوان ناکمی که هنوز از زنده کی بری
 نچورده و محض خونخواهی وطن مواسات
 بانفس خود کرده و جهانی را از لوث وجود این
 چنین گناهکار بزرگی پاک نموده و بکیفر اعمالش
 رسیده باز قلم یکی از روزنامه نگارانش مقبول را
 باسم اتانک شهید و قاتل را که خود شهید راه وطن
 بوده باسم (یکی از اجسام اهل آذربایجان)

در روزنامه خود درج کرده و چنین ظلم آشکارا
 بر جان فدائی وطن بنماید آیا این برده کشی نیست
 و توهین بر شرف تمام مجاهدين ایران نیست ؟ ای
 دروغ که بدن چنین نارین جوانی را بعد از آنکه
 در کویهای طهران که قبه الاسلامش حواستد
 سه روز ...

آیا کی غل داده و کی کفن کرد ! و آیا کی نماز
 خواند و کی بخاکش سپرد !!!
 گویا هنوز وقت آن رسیده که ما ایرانیان مکافات
 خود را از ظالمان بگیریم و آیا موقع آن نیامده
 که مملکت خود را از حنک دزدان خانکی برهانیم
 و آیا فرصتی هنوز باقی مانده که دوباره بدست
 خائنان بسپاریم ای بو بسنده کان ایران حق
 گوئید و حق بنویسید و از حق مگذرید
 خدای مدد کار شماست ای عباس ای چه ان مرد
 خدای شناس و ای مجاهد حقیقی و ای بوردیده
 آذر آباد کمان غم مخور که روایت شهادت و قهر
 تو در قلوب اهالی آذر بایجان است ای آنکه
 در راه وطن از جان عزیزو شیرین خود گذشته و
 خود را فدای ایرانیان نمودی تا یر انت اسم
 تو در دلها و نام بزرگت در زبانها و روح تو در
 اعلاء عیلم بوده و اهل وطن و برادران ایرانی
 فداکاری تو را هرگز فراموش نخواهند کرده
 و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

(فصل الله الجاهدين على القاعدین درجه)
 این روزنامه میسار که بنام مجاهد طبع و نشر می شود گفتگو خواهد کرد از راه و رسم اجراء این مشروطیت که بنیای آن بر شرع شریف وین حریف است از روزیکه بنیای اساس مشروطیت گذاشته شده جمعی از مشروطه خواهان خود را باسم مجاهد اعلان کرده و خود را وقف اعلا کلمه مشروطه و خدمت اینسان وطن نموند و در این بین بجهت یاره وقایع و اقتضات زمان انقلابی در امورات اتفاق افتاد و مقروضین را بدین واسطه فرصتی بدست آمد لهذا ما جماعت مجاهدین این روزنامه را تاسیس کرده خواستیم عقاید حق پرستانه خود را بخوا آزادی در این جریده مجموع خاص و عام تأیید و در این ضمن از وقایع شهری و مملکتی و پولتیکی و سیاسی آنچه فعلا موافق صلاح مملکت است درج - و ابریم کرد و زبان قلم خود در راه امکان از ستیزه جوئی و بدگویی و هتک حرمت حرمت ضبط کرده جز در مواقع ازوم که ضرورت مقتضی باشد که در رحمت با امر معروف و یانهی از منکر است از مسلك خود تندی نخواهیم کرد و در همه امور و وجهه همت ما ترویج شریعت عا و اعلا کلمه ملت بیضا است و مشروطیت مملکت ما قوام نگردد مگر در سایه علم اسلام و اسلامیت پس ما را لازم است که در حفظ این بنیان قدیم و بنیای قدیم بجان و دل بگوشیم و اگر کسی را احیانا ظلمی رو دهد و بر روزنامه ما التجاه کرده داد خواهی نمایند وظیفه ما است که بعد از تحقق و غوررسی نام آنچه وظیفه مقدسه ما است بجا خواهیم آورد و در حفظ ناموس اینسان نوع جدوفی کرده تاریخی در تن داریم نخواهیم گذاشت که حقوق شخصی و نوعی و شرفی و مالی و شرعی و عرفی آنها بپامال

عدوان باجاء طلبی یا غرض شخصی دیگری بشود و از قادر لایزال مسائلت مینماییم مارا در این مسلك بایدارو بخدمت نوع و اینسان وطن و مملکت موفق فرماید . (مجاهد)

دارالفنون تبریز

ما در نمره سابق از روی راپورت
 نوشته بودیم که تواب والا (فرمانفرما)
 بجهت مخارج و محل (دارالفنون) هم خانهای
 ملکی خودشانرا وهم ملکی که ده هزار تومان
 قیمت داشته باشد مرچت فرمودند حال از قرار
 تحقیقات صحیحه اخیره معلوم شد که یاخانها
 و یا ملکی که ده هزار تومان قیمت داشته باشد
 داده اند

(مجاهد)

حسن ظن و امید واری هرکس باندازه احتیاجش
 می باشد چون ما ملت تبر در باب مدرسه دارالفنون
 احوج المحتاجین هستیم لهذا قماش مرچت
 معارف پرورانه حضرت و الارا باندازه قامت
 حسن ظن و امیدواری خود بریده ایم نظر بفتوت
 آنحضرت و احتیاج ملت چندان افراط زفته ایم
 اگر سهو هم باشد برای ابقای نام نیک و ذکر
 خیر بدسهوی نیست

(اعتذار)

مکتوب ملالت اسلوب یکی از همقطاران کرامی
 در باب غارت دکان شهید وطن (عباس) آقای
 مجاهد در طهران و از اقدامات منحوسه
 ط قداران انابك مقتول و بك كساب افسوس
 و تلف در مظلومیت ملت بی چاره و موجب
 اغتشاشات حاضره و تجاوزات غدارانه عثمانیان
 نوشته بودند تنگی صفحات روزنامه مارا واداشت
 که ارساحب ورقه عدل بخواهیم که عیناً
 درج نکریم

(مجاهدین)

ما مجاهدین و قف و جو د کرده ایم که حقوق مردم محفوظ ماند حالا کدام حق است که از عمل نان بزرگ مانند ... آنکه از تقاب مانوا و قصاب و بقال حمایت نماید صرف نضر ... مجاهد نیست بلکه از شرافت انسانیت نیز محروم است ...

ما مجاهدین حاضر هستیم که امثال ... و غیر ... (راه بیخه عدالت و حکومت بهیستاریم تا سرانجام این را عبرت کامل حاصل گردد تمام مردم شهر و اطراف از عدم اقدامات حکومت در باب اسکان و آرامی ماکو جلو گیری از عثمانی کمال نفرت و سوء ظن دارند و میکنند مگر ما شما نداریم سفر نداریم پس این حکومت چه و کدام روز بهتر است این وضو نه بود - داسکتید راست

(تلکراف طهران)

رئیس تلکراف خانه مناره که دام مجده امروز که روز اول سال دوم تاسیس مجلس شورای ملی است ماکل شرف و شرف و جوه هیئت رجال لشکری و کشوری بتلکراف خانه آمده و بتوسط شما بحکومت جلیله و کار گذاران دولتی و اولیای ملت و برادران وطنی خودمان انعام می نمایم که چون از مدتی باینطرف نامنی بلاد و هراج و مرج و ولایات و طرق و شوارع و وقایع سرحدی را مردم حل بخدمت اتفاق هیئت دولت و اولیای ملت نموده و ارتان عوام از این بابت خالی از سوء ظن نبود و حال آنکه ذات مقدس ملوکانه از و اخنا فداء از اول این اساس لازمه مساعدت و توجه را در پیش رفت این عطیة ملوکانه دریغ نمی فرموده مع هنار فاین سوظن برای آسایش خیال که مبنای تمام هیئت و آرامش بلاد و عباد واجب بود بر حسب اجازة علیه ملوکانه اروا حنا فداء تمام و جوه رجال دولت از کشوری و لشکری با کلمه

واحد به مجلس محترم شورای ملی رفتم و بایک مهر و استقلال محبت آمیز و اتحاد و مودت هیئت رجال دولت را پذیرفته نطقهای خیلی مشفقانه از طرفین خوانده شد و تبریکات و تهنیتها بعمل آمد اتفاق تمام و اتحاد کامل ما بین هیئت دولت و وکلای ملت حاصل و در حقیقت برای طرفین این روز اول سال دوم عیدی شمرده باشد و حالا با قوه ملت هیئت رجال کشوری و لشکری دولت ما بوزراء مشغول با اتفاق مجلس محترم شورای ملی مشغول کار شدیم و امید داریم که بخواست خدا و برک امام عصر عجل الله فرجه و توجهات هما یون شهنشاهی اروا حنا فداء و اتفاق کلمه دولت و ملت عنقریب تمام اصلاحات مملکت حاصل و اسباب شرف و سعادت کامل برای عامه ملت صورت پذیر شود در این صورت باید حکام و الامضاء و کار گذاران دیوانی آنچه با مجموعه ایالتی و ولایتی که بر طبق نظامنامه تاسیس شده باشد اتفاق نموده و دقیقه از دقائق آسایش رعیت امنیت بلاد و طرق و شوارع را فرو گذار نمایند و صریحاً بدانند که هیچ قصوری من بعد از هیچکس پذیرفته نشده هر کس در وظایف دولت و ملت خواهی اندک خود داری کند بداند که گرفتار مسؤلیت فوق العاده خواهد بود که ملامت چیز بر شخص خودش وارد نخواهد بود این تلکراف را با اطلاع حکومت جلیله بعموم مردم ابلاغ نموده و نتیجه را تلکراف نماید

- (وزیر مخصوص) (آصف الدوله) (امیر بهادر)
- (وزیر دربار) (مومنی الدوله) (اقبال الدوله)
- (سردار فیروز) (نصر الملک) (ناظم السلطنه)
- (علاء الدوله) (وزیر هایون) (محشم السلطنه)
- (سپه دار) (معین الدوله) (امیر اعظم) (امیر نظام)
- (نظام الملک) (وزیر نظام) (حاجی امین الدوله)
- (سردار منصور وزیر تشریفات) (وسایر رجال دولت)